

قیام کر بلا، نقطه عزیمت همه ظلم‌ستیزان

در بررسی دلایل قیام امام حسین(ع) پژوهش‌های زیادی انجام شده است که البته هنوز جای بررسی و کاوش‌های بیشتری در این زمینه وجود دارد.

تاثیر قیام حسینی بر جنبش‌های اسلامی در گفت‌ووشنودی با دکتر عباس برومند قیام کر بلا، نقطه عزیمت همه ظلم‌ستیزان

در بررسی دلایل قیام امام حسین(ع) پژوهش‌های زیادی انجام شده است که البته هنوز جای بررسی و کاوش‌های بیشتری در این زمینه وجود دارد.

عمده‌ترین دلایلی که برای این قیام بر شمرده‌اند، نفی ستم و ستمگری و در پی آن آزادی و عزت انسانی بوده است. امام حسین(ع) از همان آغاز حرکت‌شان تا زمانی که به قیام روی آوردند، پیوسته بر این جنبه‌ها تاکید می‌کردند. این نشان می‌دهد که امام حسین(ع) میان جنبه‌های سیاسی- اجتماعی حرکت خود با جنبه‌های وجود شناختی آن تمایزی نمی‌نهادند؛ به بیان دیگر از نگاه امام، آزادی از یوغ ستم حاکم ستمکار تنها حرکتی سیاسی- اجتماعی نیست بلکه حرکتی است در راستای بازگشت به سرشت و خوی اصیل انسانی. از این‌رو، تنها در یک جامعه آزاد از ستم ظالمان است که می‌توان شاهد آزادی، عزت و کرامت ذاتی و به فرجام شکوفایی استعدادهای انسانی بود. اتفاقاً همین پیام وجودی بود که قیام حسینی را از مرزهای جغرافیایی و زمانی خود فراتر برد و آن را تا به اکنون الگوی قیام‌ها و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی معاصر در جهان اسلام قرار داد. در زمینه ابعاد اجتماعی، سیاسی و وجودی قیام حسینی، گفت‌وگویی داشتیم با دکتر عباس برومند، استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر در حوزه تاریخ اسلام و جنبش‌های معاصر اسلامی که در پی می‌خوانیم.

•پیش از پرداختن به موضوع اصلی گفت‌وگو لازم است در آغاز به این نکته اشاره شود که وقتی امروزه قیام حسینی را به بررسی و تحلیل می‌گذاریم، از جهت جنبه‌هایی که مربوط به یک قیام اجتماعی و سیاسی می‌شود، چه ویژگی‌ها و ابعادی بر آن مترتب است؟ به بیان بهتر از دید جامعه‌شناسی انقلاب چگونه می‌توان این قیام و حرکت اجتماعی- سیاسی را به تحلیل گذاشت؟ اصولاً ما زمانی به یک حرکت اجتماعی، قیام اطلاق می‌کنیم که در بعد سیاسی مسئله اصلی‌اش قدرت و عملکرد آن باشد؛ به عبارت بهتر اگر جنبشی با این توجیه که رفتار اقتدار سیاسی حاکم یا اصل وجود قدرت حاکم مشروعیت ندارد فعال شود، بدان قیام می‌گوییم. بدیهی است که این ادعای عدم مشروعیت باید متکی به مبانی‌ای باشد که در محیط اجتماعی قیام و در میان توده‌های مردم پذیرش داشته باشد و مردم این عدم‌حقانیت یا نامشروع بودن رفتار را براساس شاخص‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود ادراک کنند. قیام عاشورا واجد همه این ویژگی‌ها بود، هم حکومت یزید را به‌عنوان راس هرم قدرت سیاسی نامشروع می‌دانست- اذاً بلیت الامه براع مثل یزید و علی‌الاسلام‌والسلام- و هم رفتار قدرت را هنجارشکنانه، ضدارزش و برخلاف قرآن و سنت پیامبر تلقی می‌کرد. استناد حضرت امام حسین(ع) به فاسق و شارب‌الخمر بودن یزید و ابا نداشتن او از ارتکاب آشکار به مناهای و منکرات در همین راستاست. اقناع مردم و استشهاد آنها به واقعیات اجتماعی پیرامونشان نیز در راستای رساندن جامعه به یک ادراک درست از حکومت یزید است: *الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لایتناهی عنه، لیرقب المومن فی لقاءالله محقا.*

•قیام عاشورا در زمان و مکان ویژه‌ای محدود نماند. این قیام خاستگاه و سرچشمه قیام‌های زیادی شد. به همین خاطر پس از قیام عاشورا جنبش‌هایی در الگوبرداری از حرکت امام حسین شکل گرفتند. به‌نظر شما این نهضت‌ها تا چه اندازه به حقیقت و سرشت نهضت حسینی نزدیک بودند و چه سوبه‌هایی از ابعاد آن را درنظر داشتند؟

قیام‌هایی که پس از قیام کر بلا رخ دادند در تاریخ متنوع‌اند. از نخستین قیام که قیام توابع بود و در آن غلبه بر احساسات و جبران عذاب وجدان بود تا قیام مختار که یک فرصت شناسی آشکار برای ورود به موازنه قدرت بود اما در کنار همه این تفاوت‌ها وقتی قیام‌ها را در سرزمین‌ها و ادوار مختلف تاریخ کنار هم می‌گذاریم در برخی شاخص‌ها بسیار به هم شبیه هستند؛ به عبارت بهتر برخی از آموزه‌های قیام کر بلا بیش از بقیه فهم شده و مورد استناد قرار گرفته‌اند. برخی از این ارزش‌ها عبارتند از: ظلم‌ستیزی، زیر بار ظلم نرفتن، یاری مظلومان، قیام علیه حکومت‌ها و حکام فاسق و ظالم، قیام برای تغییر به سوی ارزش‌ها، امر به معروف و نهی از منکر، جانپازی در راه هدف متعالی، ترجیح مرگ با عزت به زندگی با ذلت و... . امام حسین(ع) در جای‌جای نهضت عاشورا این تعبیر را جاسازی کرده و آنها را از لحظه حرکت از مدینه تا لحظه شهادت زنده نگه داشته است. چه آنجا که در پاسخ به حاکم مدینه که از او بیعت مطالبه می‌کند، این بیعت را به مثابه مهر تایید زدن بر تابوت اسلام می‌داند، چه آنجا که در وصیت به برادر خود، محمد حنفیه هدف از قیام را اصلاح امت پیامبر و بازگشت به سیره و سنت او و امیرمومنان می‌خواند، نیز چه آنجا که پیایی در بحبوحه نبرد عاشورا برای لشکر مقابل خطبه می‌خواند و اتمام حجت می‌کند، چه آنجا که تبار و خاستگاه تربیتی خود را مانع تسلیم به ذلت مورد خواست عبیدالله می‌شمرد و فریاد هیئات منالذله سر می‌دهد و چه آنجا که

در آخرین وصیت به یادگارش او را از ظلم به آنکه جز خدا یآوری ندارد انذار می‌دهد، همواره اصل انتقال پیام قیام به همه نسل‌ها و عصرها مدنظر او است. بسیاری از جنبش‌ها و نهضت‌های تاریخ اسلام و تاریخ تشیع نیز با استشهاد به همین پیام‌ها هواداران خود را بسیج کرده و قیام خود را سامان می‌دادند.

•گرچه بررسی تک‌تک قیام‌هایی که پس از حضرت صورت گرفتند، در این گفت و شنود کوتاه نمی‌گنجد اما به‌طور کلی به‌نظر شما قیام‌هایی که به تاسی از عاشورا صورت گرفتند، چه دستاوردهای مشخصی در تاریخ اسلام داشتند؟ پاسخ به این سؤال به‌طور کلی دشوار است- همانطور که خودتان اشاره کردید- و هر قیام باید به‌طور مستقل مطالعه و پیامدهای آن شناسایی شود؛ اما یک چیز روشن است و آن اینکه نشانه‌های هدایت برپا و راه برای روندگان مسیر حق و عدالت گشوده باقی ماند. این نهضت‌ها که هر از چندگاهی بساط ظلم و ظالمی را جمع و سنت حقی را جاری و رویه باطلی را مضمحل می‌کردند، به تجدید حیات ادواری اسلام کمک کرده‌اند.

•در دوران معاصر، در جهان اسلام، مصلحان، اندیشمندان و فعالان اجتماعی و سیاسی مسلمان مولفه‌ها و عناصر قیام حسینی را به کاوش و بررسی گذاشتند و در طراحی حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی معاصر از آن یاری گرفتند. شما تاثیر قیام حسینی را بر نهضت‌های اسلامی معاصر به‌ویژه شیعی چگونه ارزیابی می‌کنید. آیا این نهضت‌ها در تاسی از قیام عاشورا از نهضت‌های اسلامی پیشین جدا و متمایز بودند؟ این تمایز در چه جهتی بوده است؟

نهضت‌های اسلامی معاصر نیز از اصل فوق‌الذکر مستثنی نبودند. بسیاری از نهضت‌های اسلامی در دوران معاصر یا علیه استبداد داخلی رقم خوردند یا در برابر استعمار خارجی و همگی هدف واحد بازگشت به ارزش‌های اسلامی و خلاصی از زیر بار ننگ زیستن زیر سایه حاکمان جابر یا کافر را آرمان خود قرار می‌دادند. برای بسیج توده‌های مردم در میدان مبارزه و آمادگی برای جانبازی، بهترین الگو حسین بن علی(ع) و قیام کربلاست. اینجا دیگر مرز دین، مذهب، نژاد و... مطرح نیست، عزت و کرامت انسانی فصل مشترک همه آزادگان جهان است و اینها همه ملهم از قیام عاشوراست؛ لا اری الموت الا السعاده و الحياه مع الظالمین الا برما. این شعار مرز نمی‌شناسد. لذا هم انقلاب اسلامی ملت شیعه ایران و حزب‌الله لبنان و هم حماس و جنبش جهاد اسلامی سنی فلسطین و هم نهضت استقلال سرزمین هند که رهبری‌اش در دستان یک غیرمسلمان است به یک گونه از قیام کربلا الهام و الگو گرفته‌اند.

•در میان جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی معاصر که به الگوگیری از قیام حسینی پرداختند، انقلاب اسلامی را شاید تنها تحول اجتماعی و سیاسی‌ای بتوان دانست که با الگوپذیری از قیام حسینی به پیروزی رسید. به‌نظر شما انقلاب اسلامی چه اندازه به اهداف قیام حسینی- آنگونه که در آغاز گفت‌وگو به آن اشاره کردید- نزدیک شده است؟

منظورتان را از تنها تحول نمی‌فهمم. توضیح دادم که در پاره‌ای از وجوه اشتراکات زیادی در تاثیرپذیری از قیام عاشورا در نهضت‌های مختلف اسلامی وجود دارد. طبیعی است که این امر شدت و ضعف داشته باشد. بله حتما انقلاب اسلامی نمونه‌ای کم‌نظیر از جنبش‌های جهان اسلام است که در لحظه‌لحظه تاریخ خود مشحون از یاد و نام حضرت اباعبدالله و قیام کربلاست. بدیهی است که این انقلاب در هدف نخست خود که خلاصی از یوغ یک حکومت فاسد و وابسته و دستیابی به عزت ناشی از استقلال بود موفق شده، لکن این همه آرمان انقلاب نبود و نیست. فلسفه زنده نگهداشتن عاشورا و عزاداری بر حسین(ع) که هر سال تکرار می‌شود و این مقدار در لسان ائمه هدی(ع) تاکید شده همین است که هر سال خودمان را و جامعه خودمان را بسنجیم و اندازه‌گیری کنیم که چقدر به اهداف حسین(ع) نزدیک شده‌ایم یا خدای ناکرده از آن دور افتاده‌ایم؛ آنگاه محرم را محملی قرار دهیم برای حرکت به سمت اصلاح و تصحیح امور. اگر چنین باشد و ما و ملت ما بر این عهد استوار باشند، مهم نیست که چقدر زمان طول بکشد؛ چون همیشه جا برای کامل‌تر شدن چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی وجود دارد. لذا به تعبیر امام راحل‌مان این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

•شما فکر می‌کنید که در زمینه شناخت قیام حسینی و به‌ویژه شناخت درست ابعاد گوناگون آن در افق اندیشه و سیاست معاصر چه کارهایی باید بیشتر صورت گیرد؟

کارهای مهم زیادی می‌توان در این زمینه صورت داد که به برخی از مهم‌ترین آنها فهرست‌وار اشاره می‌کنم: بازخوانی مکرر و به دور از تحریف سیره نبوی و علوی و سایر ائمه هدی، بازخوانی مکرر و به دور از تحریف قیام کربلا، زنده نگهداشتن یاد و خاطره عاشورا به دور از تحریف اهداف و ضرورت‌های این امر، تبیین حرکت جمهوری اسلامی چونان حرکتی در مسیر تبدیل شدن به یک الگوی کامل حکومت اسلامی، ارائه به روز و جذاب از حکومت اسلامی به‌عنوان استمرار بی‌بدیل حرکت عاشورا و قیام کربلا و نشر معارف حسینی بدون سویه مذهبی برای همه مسلمین و همه آزادگان جهان.

امتداد تاریخی نهضت حسینی

اکنون در جهان اسلام توده مردم مسلمان و به‌خصوص جوانان که خواهان حیات عزتمندانه بوده و انقلاب‌های خود را انقلاب کرامت می‌نامند، بر استقلال و حاکمیت ارزش‌های اسلامی و انسانی تاکید دارند، فساد و ظلم را در هر لباسی برنمی‌تابند و برای

تعالی حیات فردی و اجتماعی‌شان جانمایی می‌کنند. مهم نیست که این حرکت‌ها و آرمانخواهی‌ها به نام حسین بن علی(ع) باشد یا نباشد، مهم این است که در هدف و آرمان و شیوه عمل امتداد همان نهضت عاشورا هستند. من این را بیداری اسلامی می‌دانم که در سراسر جهان اسلام جاری است و افراد با افکار و حتی مسلک‌های گوناگون بر آن متفق هستند.